عنوان:

شرح حدیث فطرت، امام خمینی (ره)

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-252 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به انسان |
| برچسب | فطرت، آیه فطرت، حدیث فطرت، چهل حدیث امام ره |
| توضیحات |  |

 بالسّند المتّصل إلى محمّد بن يعقوب، عن محمّد بن يحيى، عن أحمد بن محمّد، عن ابن محبوب، عن علىّ بن رئاب، عن زرارة، قال: سألت أبا عبد اللّه، عليه السّلام، عن قول اللّه عزّ و جلّ: «فِطْرَتَ اللّه الّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها.» قال:فطرهم جميعا على التّوحيد.[[1]](#footnote-1)

ترجمه: زراره گويد پرسش كردم از حضرت صادق، عليه السلام، از فرموده خداى تعالى: فطرة اللّه الّتي فطر النّاس عليها. فرمود: «خلق كرد ايشان را همگى بر توحيد.»

شرح اهل لغت و تفسير گويند «فطرت» به معناى «خلقت» است. در صحاح است:

«الفطرة، بالكسر، الخلقة.» و تواند بود كه اين «فطرت» مأخوذ باشد از «فطر» به معناى شق و پاره نمودن، زيرا كه «خلقت» گويى پاره نمودن پرده عدم و حجاب غيب است. و به همين معنى نيز «افطار» صائم است: گويى پاره نموده هيئت اتصاليه امساك را. در هر حال، بحث از لغت خارج از مقصود ماست. بالجمله، حديث شريف اشاره است به آيه شريفه در سوره «روم»: فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدّينِ حَنيفاً فِطْرَتَ اللَّه الَّتي فَطَرَ النّاسَ عَلَيْها لا تَبْديلَ لِخَلْقِ اللَّه ذلِكَ الدّينُ القَيِّمُ وَ لكِنَّ أَكْثَرَ الناسِ لا يَعْلَمُون‏[[2]](#footnote-2) ما ان شاء اللّه اشاره اجماليه به اين فطرت، و كيفيت آن، و چگونگى بودن مردم بر فطرت توحيد، در ضمن فصول و مقاماتى چند مى‏نماييم.

**معنى فطرت**

بدان كه مقصود از فطرت اللّه، كه خداى تعالى مردم را بر آن مفطور فرموده، حالت و هيئتى است كه خلق را بر آن قرار داده، كه از لوازم وجود آنها و از چيزهايى است كه در اصل خلقت خميره آنها بر آن مخمّر شده است. و فطرتهاى الهى، چنانچه پس از اين معلوم شود، از الطافى است كه خداى تعالى به آن اختصاص داده بنى الانسان را از بين جميع مخلوقات، و ديگر موجودات يا اصلا داراى اين گونه فطرتهايى كه ذكر مى‏شود نيستند، يا ناقص‏اند و حظ كمى از آن دارند.

و بايد دانست كه گرچه در اين حديث شريف و بعضى از احاديث ديگر[[[3]](#footnote-3)«فطرت» را تفسير به «توحيد» فرمودند، ولى اين از قبيل بيان مصداق است، يا تفسير به اشرف اجزاء شى‏ء است، چنانچه نوعا تفاسير وارده از اهل عصمت، سلام اللّه عليهم، از اين قبيل است، و در هر وقت به مناسبت مقامى مصداقى مثلا ذكر شده و جاهل گمان تعارض كند. و دليل بر آنكه در اين مورد چنين است، آن است كه در آيه شريفه «دين» را عبارت از فطرت اللّه دانسته، و دين شامل توحيد و ديگر معارف شود. و در «صحيحه» عبد اللّه بن سنان[[4]](#footnote-4) تفسير به «اسلام» شده. و در «حسنه» زراره[[5]](#footnote-5) تفسير به «معرفت» شده. و در حديث معروف كلّ مولود يولد على الفطرة. در مقابل «تهوّد» و «تنصّر» و «تمجّس» ذكر شده[[6]](#footnote-6). و نيز حضرت ابى جعفر، عليه السلام، حديث «فطرت» را در همين حسنه زراره به «معرفت» تفسير فرموده است. پس، از اين جمله معلوم شد كه «فطرت» اختصاص به توحيد ندارد، بلكه جميع معارف حقه از امورى است كه حقّ، تعالى شأنه، مفطور فرموده بندگان را بر آن.

امام خمینی (ره)، چهل حديث(اربعين حديث)، ص: 180

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

1. اصول كافى ج 2، ص 12،« كتاب ايمان و كفر»،« باب فطرت خلق بر توحيد»، حديث 3. [↑](#footnote-ref-1)
2. «پس روى خود همچنان به سوى آيين اسلام بدار، در حالى كه در آن استوارى به همان سرشت خدا كه مردم را بر آن پديد آورد. در آفرينش خداوند هيچ دگرگونى نيست. دين راست اينست، اما بيشتر مردم نمى‏دانند.» (روم- 30). [↑](#footnote-ref-2)
3. اصول كافى ج 2، ص 12 و 13،« كتاب ايمان و كفر»،« باب فطرة الخلق على التوحيد»، حديث 1 و 5.

التوحيد ص 328- 331، باب 53، احاديث 1 و 2 و 4- 8. تفسير برهان. ج 3، ص 261- 263. ذيل آيه 30 سوره« روم». [↑](#footnote-ref-3)
4. عن عبد اللّه بن سنان، عن أبي عبد اللّه (ع) قال: سألته عن قول اللّه عزّ و جلّ: «فِطْرَتَ اللَّه الّتى فَطَرَ الناسَ عليها» ما تلك الفطرة؟ قال: هى الإسلام. فطرهم اللّه حين أخذ ميثاقهم على التوحيد، قال: «أ لست بربّكم» و فيه المؤمن و الكافر. (از عبد اللّه بن سنان از امام صادق (ع) روايت شده كه گفت از ايشان درباره آيه «همان سرشت خدا كه مردم را بر آن پديد آورد» پرسيدم كه اين «سرشت» چيست؟ فرمود: اسلام است. خداوند آن گاه كه بر يكتا پرستى از آنان پيمان گرفت، پديدشان آورد. گفت: «آيا پروردگار شما نيستم؟» و مؤمن و كافر هر دو در آن بودند.» اصول كافى، ج 2، ص 12، «كتاب الايمان و الكفر»، «باب فطرت خلق بر توحيد»، حديث 2. [↑](#footnote-ref-4)
5. عن زرارة، عن أبي جعفر (ع) قال سألته عن قول اللّه عز و جل: «حنفاءَ للّهِ غَيْرَ مشرِكين به». قال: الحنيفيّة من الفطرة الّتي فطر اللّه الناس عليها، لا تبديل لخلق اللّه. قال: فطرهم على المعرفة به، ... و قال: قال رسول اللّه (ص): كلّ مولود يولد على الفطرة. يعنى المعرفة بأنّ اللّه عزّ و جلّ خالقه. كذلك قوله: «و لئن سألتهم من خلق السماوات و الأرض ليقولنّ اللّه. (از زراره از امام باقر (ع) روايت شده است كه گفت از ايشان درباره آيه «در حالى كه براى خدا بر آيين اسلام استوارند و او را شريكى نمى‏گيرند» پرسيدم. فرمود: «اسلام از همان سرشتى است كه خداوند مردم را با آن پديد آورد. در آفرينش خداوند هيچ دگرگونى نيست.» فرمود: «مردم را با شناخت خود پديد آورد ...» و فرمود: پيامبر خدا (ص) فرمود: «هر نوزادى با سرشت خدايى زاييده مى‏شود، يعنى، با معرفت به اينكه خداى عز و جل آفريننده اوست. و همين گونه است آيه: «و اگر از آنها بپرسى كه آسمان‏ها و زمين را كه آفريده؟ خواهند گفت: خداوند.» اصول كافى، ج 2، ص 12 و 13، «كتاب ايمان و كفر»، «باب فطرت خلق بر توحيد»، حديث 4. [↑](#footnote-ref-5)
6. و قال (ص): كلّ مولد يولد على فطرة حتّى يكون أبواه يهوّدانه و ينصرانه و يمجّسانه. (هر زاده شده‏اى بر فطرت توحيد زاده است، پس والدين او او را يهودى يا نصرانى يا مجوس گردانند.» عوالى اللئالى، ج 1، ص 35، فصل چهارم، حديث 18. [↑](#footnote-ref-6)